



An analysis of Israel's geopolitical positions in the territory of West Asia

Mohammad Reza Abdollahpoor¹

Abstract

Geopolitical code is a useful concept for taking into account geopolitical actions in that it is an operational code consisting of a set of political geography assumptions that underlie a state's foreign policy. The measurement and monitoring of places outside the territorial territory of the country is based on the priorities, operational preference and objectified national interests of the countries, which is called the geopolitical code. In this regard, each country influenced by strategic assumptions, forms its national security, which is the security view is in complete connection with a set of cultural, national, territorial factors and affected by scales and identity and geographic branding. Following the Al-Aqsa storm operation by the Palestinian militants, the Israeli regime's response to this action and the IRIR drone attacks against this regime and the threat to the territorial existence of this regime in the last half century, a geographical crisis have befallen this regime, which has forced Israel in ways The new geographical policy has forced. It can be said that Israel's peripheral strategy has shaped Israel's main geopolitical discourse in recent decades, but with the Iraq-Syria crisis and the rise of radical Salafi fundamentalism, Israel has defined a new new geopolitical code / vision. This research is descriptive-analytical in order to investigate, why and how the emergence of Israeli geopolitical codes in the Middle East with regard to the activity of new geopolitical structures and agents.

Keywords: Geopolitical Code, Occupying Regime of Jerusalem, Geopolitical Subjects, Statement.

1. Ph.D in Political Science, Visiting Professor, Islamic Azad University, Qeshm Branch, Iran.
policymaking100@gmail.com



Extended Abstract

1. Introduction

Geopolitical code is a useful concept for taking into account geopolitical actions in that it is an operational code consisting of a set of political geography assumptions that underlie a state's foreign policy. It can be said that Israel's peripheral strategy has shaped Israel's main geopolitical discourse in recent decades, but with the Iraq-Syria crisis and the rise of radical Salafi fundamentalism, Israel has defined a new geopolitical code / vision. This research is descriptive-analytical in order to investigate, why and how the emergence of Israeli geopolitical codes in the Middle East with regard to the activity of new geopolitical structures and agents.

2. Theoretical framework

The theoretical framework of this research is the genealogy and explanation of the quality of the geopolitical code and its relationship with geopolitical perspectives. In discussing the geopolitical code, a comprehensive perspective should be considered and economic, military, cultural, educational and diplomatic relations components should be considered alongside politics. To clarify what and why of geopolitical codes, the concepts of geopolitical agency, geopolitical structures and the actions of agents in geopolitical contexts should be clarified. According to the theory of geopoliticians, there is a deep level of consonance between the codes and geopolitical vision of a nation-state due to a shared recognition between the foreign policy elite and the masses in the geopolitical context of the state.

3. Methodology

This research uses descriptive and analytical methodology to prove its hypothesis.

4. Discussion

The findings of this study, which is an analysis of the geopolitical branding and identity construction of Israel in national, regional and international dimensions, show that the identity and geographical codes of this regime are focused on territorial sovereignty. On the other hand, Israel's geopolitical codes, in addition to the domestic dimension and the effort for Jewish nationalism, have placed their regional dimension in weakening countries that could be a potential threat to this entity. Therefore, Israel's geopolitical codes have always been based on territorial sovereignty, limiting the geopolitical sphere of the Shiites, strengthening the Shiite-Sunni duality in new models and supporting Takfiri terrorism.

5. Conclusion and Suggestions

In order to define its geopolitical codes and due to the insecurity and fragile geopolitics of this geographical unit, which is the weak economic link between India, West Asia, and Europe, Israel has put proximity to the Arab countries of the region on its agenda, which is reflected in the Abraham Accords. In general, the results of this research, in addition to explaining Israel's geopolitical codes in the territory of West Asia, show the paucity of research literature on the geopolitical aspirations and desires of the Israeli regime, the geographical ruptures in the ethnic and territorial borders of the Middle East

countries, and the deep connection with Takfiri groups such as ISIS. Although empirically clear, due to reasons such as the media and scientific dominance of Zionist circles, the aforementioned evidence has not been written down. Therefore, research and exploration in this matter, especially by the country's researchers, can raise awareness among Middle Eastern societies about the aspirations and geopolitical expansion of the Israeli regime.

تحلیلی بر کدهای ژئوپلیتیکی اسرائیل در قلمرو آسیای غربی

محمد رضا عبدالله پور^۱

چکیده

سنجش و پایش مکان‌های خارج از قلمرو سرزمینی کشور بر اساس اولویت‌ها، ترجیح عملیاتی و عینیت‌یافته منافع ملی کشورهاست که کد ژئوپلیتیکی نام دارد. در این راستا هر کشور متأثر از مفروضه‌های راهبردی، امنیت ملی خود را شکل می‌دهد که این نگاه امنیتی در ارتباطی کامل با مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، ملی، سرزمینی و متأثر از مقیاس‌ها و برند سازی هویتی و جغرافیایی است. متعاقب عملیات طوفان‌الاقصی توسط مبارزان فلسطینی، پاسخ سبانه رژیم اسرائیل به این اقدام و حملات پهبادی ج. ا. ا. به این رژیم و تهدید موجودیت سرزمینی این رژیم در نیم‌قرن اخیر، بحران جغرافیایی بر این رژیم عارض گردیده که اسرائیل را به شیوه‌های نوین سیاست جغرافیایی واداشته است. رژیم اسرائیل از بدو تأسیس تا کنون به‌علت سازه‌های هویتی و سرزمینی نامشروع، بستر تعارضات بسیار در خاورمیانه بوده است که در بستر این تعارض، همواره قلمروخواهی و چنگ‌اندازی به جغرافیایی سرزمینی کشورهای مجاور را در دستور کار خود قرار داده است؛ به‌طوری که حتی در جدیدترین دکتین‌ناتناهاو که زمینه و هدف این پژوهش است، دکتین صلح برای صلح و صلح از طریق قدرت، مؤلفه غالب امنیتی این رژیم بوده است. هدف این مقاله واکاوی کیفیت و چگونگی کدهای ژئوپلیتیکی این رژیم را با توجه به سازه‌های کدهای ژئوپلیتیکی، یعنی هویت و ساختن سوژه‌های متعارض، از لحاظ شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه است که معطوف به منافع رژیم صهیونیستی می‌باشند. این تحقیق با روشی تحلیلی - توصیفی در بی واکاوی و تحلیل کدهای ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خاورمیانه، عوامل پیدایش این کدها با توجه به سازه متعارض هویتی و سرزمینی این واحد سیاسی در منطقه آسیای غربی با استفاده از شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک و سوژه‌های جدید جغرافیایی است.

واژه‌های کلیدی: کد ژئوپلیتیک، رژیم اشغالگر قدس، سوژه‌های ژئوپلیتیک، خاورمیانه.

۱. دکتری علوم سیاسی، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، ایران.
policymaking100@gmail.com

۱. مقدمه

درک مفهوم کدهای ژئوپلیتیک به دولت‌ها اجازه می‌دهد که تحلیلی چندبعدی از گزینه‌های سیاستی را - که با آن در خارج و داخل مواجه هستند - ارائه دهند. دینامیسم این کدها برابندی از تعامل سیاست داخلی و بافت جهان در حال تغییر است. قدرت بیشتر یک دولت در سلسله‌مراتب بین‌الملل با توانایی ساختن کدهای ژئوپلیتیکی آن کشور و در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی در ارتباط و در نوسانات سیاست خارجی کشورها بسیار مهم است. باید عنوان کرد هر دولتی کدهای ژئوپلیتیکی خود را دارد و اساساً کدهای ژئوپلیتیک زمان و فضا را تغییر می‌دهند و فضا و مکان نیز منجر به توسعه کدها می‌شوند. عوامل مذکور سیاسی و تاریخی است که ارتباط دولت را با گفتمان‌ها به وجود می‌آورند. در نتیجه این عوامل تولیدکننده کدهای ژئوپلیتیکی اند. در مقیاس جهانی، استعمار به صورت نزدیکی با سازه‌های «خود» ابرقدرت‌ها درهم آمیخته است و ژئوپلیتیک آن‌ها چه در گذشته و چه حال در حال نوزایی بوده است. این نرم‌افزار قدرت ژئوپلیتیکی که از طریق استعمار به دست می‌آمد، موجد کدهای جدید ژئوپلیتیکی برای آن‌ها نیز به شمار می‌آید. متأثر از این فضا، کارگزاران ژئوپلیتیکی دید نیز در پی ایجاد گفتمان‌های ژئوپلیتیکی با استفاده از کد / بینش ژئوپلیتیکی در قلمروهای نزدیک به خود هستند.

با این نگاه و متأثر از استراتژی اتحاد پیرامونی که از بدو تأسیس رژیم صهیونیستی همیشه یک داده اساسی در سیاست خارجی آن‌ها بوده، هم‌اینک این رژیم با بازتعریف در آن استراتژی و با استفاده از سوژه‌های ژئوپلیتیک منطقه مانند گروه‌های تکفیری، عقد قراردادهای نظامی و امنیتی با بعضی از کشورهای عرب منطقه در قالب توافق ابراهیم و حمله همه‌جانبه به نوار غزه به دنبال عملیات طوفان الاقصی، درصدد بقا و امنیت سرزمینی خود با استفاده از لایه‌های منطقه‌ای و بازتعریف کدهای ژئوپلیتیک است و این موضوع اهمیت تمرکز بر گزاره‌های فوق و برجسته‌سازی نظری در این پژوهش است.

از سویی این تحقیق با محدودیت‌های بسیار در جمع‌آوری اطلاعات درخصوص فرضیه تحقیق مواجه است. متأسفانه در حالی که هزاران مقاله لاتین درخصوص کیفیت ژئوپلیتیک ایران و روابط ژئوپلیتیکی با همسایگان در فضای مجازی و علمی موجود است، تقریباً هیچ اثری که مطامع، جاه‌طلبی و امیال ژئوپلیتیکی رژیم اسرائیل را در منطقه نشان دهد وجود ندارد و صد البته قابل نقد و بحث است. به‌طور مثال، در حالی که مقاله‌های فراوان درخصوص نئوعثمانی‌گرایی ترکیه

اردوغان و قلمروخواهی ترکیه به رشته تحریر درآمده و یا صدها مقاله انگلیسی درخصوص بسط قلمرویی ایران و ایجاد هلال شیعی نوشته شده، امیال ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی و رصد مطامع ژئوپلیتیکی این رژیم کاملاً در محاق مانده است. با این تفاسیر در این پژوهش سؤالات مهمی به شرح ذیل مطرح می‌گردد که محقق با روش‌شناسی گفتمانی درصدد تنقیح مطالب و پاسخگویی به آن‌ها خواهد بود:

آیا رژیم اسرائیل واجد کدهای ژئوپلیتیک است؟

آیا کدهای ژئوپلیتیک این رژیم، کدهای قلمروخواهانه است؟

آیا کدهای ژئوپلیتیک اسرائیل متأثر از سازه‌های هویتی است؟

آیا سوژه‌های جغرافیایی جدید در خاورمیانه به‌عنوان پیشران کدهای ژئوپلیتیک رژیم اسرائیل عمل می‌کنند؟

۲. مبانی نظری

۲-۱. کدها و تصویرسازی ژئوپلیتیک

سنجش و پایش مکان‌های خارج از قلمرو سرزمینی کشور بر اساس اولویت‌ها، ترجیح عملیاتی و عینیت‌یافته منافع ملی کشورهاست که کد ژئوپلیتیکی نام دارد. اجماع اندیشمندان جغرافی سیاسی بر این امر است که کدهای ژئوپلیتیکی مجموعه‌ای از مفروضه‌های راهبردی می‌دانند که کشورها بر اساس آن‌ها به تنظیم سیاست خارجی خود با سایر کشورها پرداخته و در این راستا به مقابله با تهدیدات خارجی و توجیه آن‌ها می‌پردازند (Venier, 2004: 4). در این راستا هر کشوری کدهای ژئوپلیتیکی خاص خود را داراست. فلینت شیوه‌ای را که یک کشور در جهان با آن به خود جهت می‌دهد کد ژئوپلیتیک می‌نامد. سیاست‌گذاران در تعریف کد ژئوپلیتیک، موقعیتشان را در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی، احصای فرصت‌ها و رفع تهدید برای کشورشان می‌دانند (Flint, 2011: 55). به گفته فلینت، نگرانی عمده برای خیلی از کشورها همسایگان هستند و اینکه آیا با آن‌ها دوست‌اند یا دشمن (Ibid, 58). به‌طور کلی در بحث کد ژئوپلیتیک باید چشم‌اندازی جامع وجود داشته باشد و مؤلفه‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، آموزشی و روابط دیپلماتیک در کنار سیاست در نظر گرفته شود. برای تنقیح چستی و چرایی کدهای ژئوپلیتیک، مفاهیم کارگزاری ژئوپلیتیک باید ساختارهای ژئوپلیتیک و کنش کارگزارها در بافت‌های ژئوپلیتیکی مشخص گردد (عبداله‌پور و قادری، ۱۳۹۶).

مطابق نظریه دیجکینگ، سطح عمیقی از هم‌آوایی بین کدها و بینش ژئوپلیتیک یک دولت-ملت به‌خاطر بازشناسی به اشتراک گذاشته‌شده بین نخبگان سیاست خارجی و توده‌ها در بافت ژئوپلیتیکی دولت وجود دارد (Dijkink, 1998). علاوه بر این، هر دو مؤلفه توده و نخبه، موضوعات مکانیسم تحریف اطلاعات در جهان به‌عنوان پیامدهای سازه‌های اسطوره‌های ملی به شمار می‌آید (Ibid). ظهور مدل برندسازی ژئوپلیتیک به‌ذی‌نفعان آن وابسته است؛ چرا که آن‌ها شروع‌کننده‌اند و مدیریت فرایند برند را بر عهده دارند. مدل برندسازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک و پیش‌شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیکی و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه‌دولت‌ها و یا ساختارهای دوفاکتو ترسیم کند (عبداله‌پور و قادری، ۱۳۹۶).

از سویی در تبیین کد ژئوپلیتیک و اثرات آن مفهوم تصویرسازی ژئوپلیتیک و پیامدهای آن بسیار مهم است. تصویرسازی ژئوپلیتیکی بازتابی از بینش ژئوپلیتیکی یک کشور است که شامل کدهای ژئوپلیتیکی و مأموریت ملی می‌شود (Newman, 2002). بینش ژئوپلیتیکی نیز عنصر اصلی و تعیین‌کننده کیفیت تصویرسازی ژئوپلیتیکی است که هدف نهایی آن حفظ پرستیژ و تهاجم مشروع است (Dijkink, 1996: 146). این دو مفهوم اصلی با مفصل‌بندی خاص، کد ژئوپلیتیک را به وجود می‌آورند که این کد به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا تحلیلی چندبعدی از گزینه‌های سیاستی در خارج و داخل ارائه دهند. دینامیسم این کدها برابندی از تعامل سیاست داخلی و بافت جهان در حال تغییر است. قدرت بیشتر یک دولت در سلسله‌مراتب بین‌الملل با توانایی ساختن کدهای ژئوپلیتیکی آن کشور و در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی در ارتباط است و در نوسانات سیاست خارجی کشورها بسیار اهمیت دارد. هر دولتی کدهای ژئوپلیتیکی خود را دارد و اساساً این کدها زمان و فضا را تغییر می‌دهند و این فضا و مکان منجر به توسعه کدها می‌شود. از سویی این عوامل سیاسی و تاریخی هستند که ارتباط دولت را با گفتمان‌ها به وجود می‌آورند؛ در نتیجه این عوامل تولیدکننده کدهای ژئوپلیتیکی هستند.

۳. سازه‌های هویتی رژیم اسرائیل

نویسنده مقاله «مناطق کردنشین شمال سوریه، شیفت پارادیماتیک گفتمانی (گفتمان هویتی به گفتمان ژئوپلیتیک)» بر این اعتقاد است که کنش هویت‌خواهانه و بازتعریف هویت ملی به کنش‌های قلمروخواهانه منجر می‌شود. به عبارتی، مطامع ژئوپلیتیک محصول امیال هویتی است

(حاتمی، ۱۳۹۹). بنابراین، می‌توان گفت که رمز ماندگاری هر ملتی نه تنها سازه‌های اجتماعی، بلکه ماهیت هویت جمعی آن ملت است (Anderson, 1983). از سویی، هویت، دین و به‌طور کلی سازه‌های هویتی زیرساخت لازم را برای هرگونه سیاست بعدی از نوع قلمروخواهی و بسط ایدئولوژی و سرزمینی فراهم می‌نماید (حاتمی، ۱۳۹۹). کد ژئوپلیتیک ارتباطی عمیق با سازه‌های هویتی، قومی، نژادی و ملی کشورها دارد و می‌تواند این کدها را معطوف به هدف و قدرتمند سازد.

سازه‌های هویتی رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک دولت-ملت، فرایندی رقابت‌آمیز است و از ادغام مؤلفه‌های متعارض مانند سکولاریسم و مذهب یهود تشکیل می‌شود. به‌رغم این موضوع که شهروندان یهودی اسرائیل همیشه خود را در ارتباط با هویت یهودی، صهیونیست و اسرائیلی تعریف نموده‌اند، ولی شکاف مذهبی و هویتی عاملی بازدارنده در تصمیم‌سازی بینش ژئوپلیتیک متأثر از الیت‌های یهودی بوده است. به‌طور مثال «میزراحی‌ها» یا یهودیان آفریقایی و خاورمیانه‌ای همیشه در میدان اقتصادی-اجتماعی و مناصب در ذیل قدرت اشکنازی‌ها با ریشه اروپایی بوده‌اند که این عامل و گسست همیشه عاملی تهدیدزا در سیاست‌های رژیم صهیونیستی بوده است (samsonowitz, 1999: 18). مضاف بر این موضع، نگرش متفاوت این دو نحله هویتی رژیم صهیونیستی تأثیری شایان بر شکاف تصمیم‌گیری سیاست منطقه‌ای این کشور داشته که اهم آن به شرح ذیل است (www.pewforun.org):

جدول ۱. نگرش‌های هویتی متفاوت در رژیم اسرائیل

معرفی	معرفی خود	معرفی خود	معرفی خود	معرفی خود	معرفی خود	خداناباوری	
معرفی خود	معرفی خود	معرفی خود	معرفی خود	معرفی خود	معرفی خود	خداناباوری	
به‌عنوان	به‌عنوان یک	به‌عنوان یک	به‌عنوان	به‌عنوان	به‌عنوان		
فردی	فردی	فردی	فردی	فردی	فردی		
ارتدوکس	ارتدوکس	ارتدوکس	مذهبی	سنتی	سکولار		
۵۶	۴۹	۸	۱۸	۴۲	۳۲	۱۱	میزراحی‌ها
۴۰	۵۵	۱۲	۸	۱۵	۶۶	۳۵	اشکنازی‌ها

در جامعه مسلمان خاورمیانه، رژیم صهیونیستی همیشه به‌عنوان یک کد ناامنی شناخته شده است. می‌توان گفت که استراتژی پیرامونی اسرائیل گفتمان اصلی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی را در چند دهه اخیر شکل داده، ولی با حمله آمریکا به عراق و خیزش بنیادگرایی رادیکال سلفی،

رژیم صهیونیستی کد / بینش ژئوپلیتیکی جدیدی را برای خود تعریف نموده است. رژیم اسرائیل طی نیم قرن گذشته به عنوان مسبب اصلی بحران خاورمیانه، همواره در حدی از انزوا و فروبستگی محیط امنیتی پیرامونی قرار داشته است؛ بنابراین، تحت این شرایط و به منظور فرار از شرایط ناخوشایند مزبور، سعی در ایجاد روابطی راهبردی با کشورهای غیرعرب منطقه داشته است (خطیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۴۰۷).

بن‌گوریون، اولین رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی، در سال ۱۹۴۸، به منظور تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، استراتژی اتحاد پیرامونی (periphery alliance) را مطرح ساخت (Alpher, 2013) که باید بر پایه ارکان نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و دیپلماسی استوار باشد تا رژیم صهیونیستی با یافتن دوستانی از کشورهای غیرعرب، ضمن افزایش توان نظامی و اطلاعاتی خود، در قالب اتحادها به گسترش روابط سیاسی و دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای پیرامونی اقدام کند. به طور مثال، در این خصوص و نزدیکی رژیم صهیونیستی به مؤلفه‌های مذکور، می‌توان گفت استراتژی پیرامونی و نقش کردها در ژئواستراتژی رژیم اسرائیل در خاورمیانه، یک داده‌آسای برای رژیم صهیونیستی است (عبداله‌پور، ۱۳۹۰: ۸۵).

کردستان عراق دارای اهمیتی ویژه در طرح‌های منطقه‌ای رژیم صهیونیستی است؛ چرا که کردها بین ایران و ترکیه و دو دشمن خطرناک رژیم صهیونیستی، یعنی عراق و سوریه، تقسیم شده‌اند (Yinon, 1982). موقعیت کردستان عراق به عنوان منطقه‌ای مهم از خاورمیانه مزوپوتامیایی و با حاکمیت دوفاکتو یا دوژوور، نه تنها تهدیدی برای اسرائیل نیست بلکه فضای تنفس استراتژیک آن را در منطقه بالا می‌برد (عبداله‌پور، ۱۳۹۰). از سویی اسرائیل از طریق کنترل دولت کردی برای اعمال فشار بر ایران و ترکیه قدرت چانه‌زنی خود را بالا خواهد برد؛ زیرا اسرائیل خواهد توانست مسئله جدایی‌خواهی قومی را به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های امنیتی ایران و ترکیه تبدیل کند.

در راستای حمایت از تشکیل دولت کرد باید به «طرح نیون» (Yinon Plan) نیز اشاره کرد که برنامه راهبردی رژیم صهیونیستی برای اطمینان از برتری منطقه‌ای این رژیم در منطقه است. این طرح اصرار دارد که رژیم صهیونیستی باید محیط ژئوپلیتیکی خود را از طریق بالکانیزه نمودن کشورهای عربی و تبدیل آن‌ها به کشورهای کوچک، پیکربندی مجدد کند. مشاهده این موارد، جنگ در سوریه و عراق، بخشی از روند گسترش ارضی رژیم صهیونیستی است. همکاری رژیم

صهیونیستی با آمریکا، ترکیه، عربستان و ناتو و حمایت از جنگ علیه داعش در نهایت به دنبال نابودی دولت‌های عراق و سوریه در راستای اجرای طرح مذکور است (Chossudovsky, 2013).

در این رابطه ایران به عنوان قطب قدرت مقابل رژیم صهیونیستی در منطقه و محور مقاومت عملاً به مانعی در برابر این توسعه طلبی مبدل شده است. از طرفی تجربه دو جنگ ۲۲ و ۵۱ روزه علیه غزه و جنگ ۳۳ روزه علیه مقاومت در لبنان آسیب پذیری این کشور را در برابر محور مقاومت و ایران آشکار ساخته است؛ لذا این باور قوی از ناامنی در ذهن نخبگان سیاسی-نظامی رژیم صهیونیستی شکل گرفته است که باید سدی قوی در برابر ایران و محور مقاومت ایجاد نمایند. نقشه پیشروی‌های زمینی داعش نیز از پیگیری این هدف حکایت داشت؛ استان‌هایی که در اولویت تسخیر داعش قرار گرفته و جملگی در همسایگی مرز سوریه و عراق قرار داشتند که بدین ترتیب یکی از بهترین و مهم‌ترین محورهای تجهیز محور مقاومت دچار انسداد شده بود. داعش پس از سال ۲۰۱۴ با تصرف استان الانبار و استحکام مرز خود با اردن و همچنین از شمال با در اختیار گرفتن موصل و تصمیم برای نزدیک شدن به کرکوک و نیز نفوذ گسترده در شمال و شمال غرب سوریه و تصرف و تحکیم مواضع در استان رقه، عملاً در حال ایجاد یک «حائل سرزمینی» برای شکاف میان محور مقاومت و قطع ارتباط میان سوریه، فلسطین و لبنان با عراق ایران بود. لذا داعش و یا هرگونه جریان تکفیری به‌عنوان ابزاری ژئوپلیتیک برای رژیم صهیونیستی در پی دستیابی به این موضوع خواهند بود که حائلی ژئوپلیتیک بین ایران و رژیم صهیونیستی ایجاد نمایند که در صورت تحقق آن، موجبات گسست در محور مقاومت را فراهم خواهد آورد (Humud et al, 2019).

۴. کدهای ژئوپلیتیک رژیم اسرائیل

همان‌طور که عنوان شد، سازه هویتی رژیم صهیونیستی متأثر از دین یهود و یهودی‌گری است و در این راستا موقعیت و ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی پیامدی از یک بازی هویتی به شمار می‌آید (Newman, 1998: 7). برای بسیاری از گروه‌های مذهبی صهیونیستی هرگونه سیاست‌گذاری باید تمرکز بر ایدئولوژی الحاق سرزمینی و قلمروخواهانه داشته باشد (Ibid, 8). این موضوع آنجا برجسته می‌شود که بدانیم در گفتمان‌های امنیتی، جغرافیا و جمعیت نقشی برجسته دارند و واحد جغرافیایی و کوچک اسرائیل به دو مؤلفه بسط جغرافیایی و جمعیت بیشتر نیاز مبرم دارد (Ibid, 9). اگرچه هیچ‌وقت اسناد و دکترین امنیت ملی رژیم صهیونیستی مشخص نبوده و در اختیار کسی

قرار نگرفته، ولی می‌توان گفت از بدو تأسیس این رژیم تا کنون، ستون‌های دکترین «بن‌گوریون» یعنی بازدارندگی، حمله پیش‌دستانه و قدرت تهاجمی کماکان پابرجاست. با توجه به آشوب‌های منطقه، انتفاضه‌های مداوم فلسطینیان، نبرد دائمی با حزب‌الله، جنگ سوریه و...، دکترین بن‌گوریون با خوانش و بسط فراگیر مواجه شده است.

در این راستا بنیامین نتانیاهو از دکترین امنیت ملی رژیم صهیونیستی به شرح ذیل رونمایی کرده است (Gen Gadi, 2018):

جدول ۲. دکترین امنیت ملی رژیم صهیونیستی

قدرت معنوی و اجتماعی	قدرت سیاسی	قدرت اقتصادی	قدرت نظامی
<ul style="list-style-type: none"> - استعانت از آموزه‌های یهودیت در منجی‌گرایی قوم یهود - رسالت آخرالزمانی برای یهود 	<ul style="list-style-type: none"> - متحدان پر قدرت منطقه‌ای - بازدارندگی - تضمین آزادی نیروی نظامی رژیم صهیونیستی در انجام هر عملیاتی - فرسایش و نابودی سازمان‌ها و هر ساختار مخالف با رژیم صهیونیستی 	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت بخش خصوصی - حذف موانع تجارت - تقویت روابط اقتصاد بین‌الملل 	<ul style="list-style-type: none"> - بازدارندگی - حمله پیش‌دستانه - قدرت تهاجمی

با استعانت از چهار ستون امنیت ملی رژیم صهیونیستی، می‌توان عوامل تأثیرگذار بر کدهای ژئوپلیتیک این رژیم را در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای و مقیاس کدهای مذکور را در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به شرح ذیل نام برد:

جدول ۳. عوامل تأثیرگذار بر کدهای ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی

منطقه‌ای	ملی	محلی
<ul style="list-style-type: none"> - شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای - رژیم صهیونیستی بزرگ (از نیل تا فرات) - تعمیق ناسیونالیسم فرهنگی یهود - خلق فضا - خلق سوژه‌های ژئوپلیتیک جدید (تکفیری و سکولار) 	<ul style="list-style-type: none"> - سازه‌های سرزمین ملی یهود 	<ul style="list-style-type: none"> - عوامل نمادین مذهبی و فرهنگی یهود

۴-۱. مقیاس کدهای ژئوپلیتیکی رژیم اسرائیل

متأثر از کدهای ژئوپلیتیک اسرائیل، این رژیم کدهای خود را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی تعریف و برای هر یک از این سطوح نیز شاخص‌هایی را تعیین کرده است. جدول زیر مبین این شاخص‌هاست:

جدول ۴. کدهای ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی در سطوح سه‌گانه

جهانی	منطقه‌ای	ملی
- عظمت اسرائیل به‌عنوان قدرت علمی	- تهدید ایران	- ارزش‌های یهود
- کسب حمایت جهانی	- تهدید اعراب	- دولت مذهبی سکولار
	- قلمروخواهی	- رشد جمعیت قوم یهود
	- تحدید حوزه ژئوپلیتیکی شیعیان	- برتری جوی
	- دوگانه شیعه-سنی	- مهاجرت
	- حمایت از تروریسم اسلامی	

۵. برندسازی ژئوپلیتیک

یکی از فرایندهای سازه‌ای دولت‌ها درگیری در ایجاد برقراری دولت در بافت ژئوپلیتیکی گسترده‌تر و حمایت از دولت خود در عرصه جهانی است. در این راستا یکی از راه‌هایی که دولت-ملت‌ها در این فرایند انجام می‌دهند، برندسازی و آغاز تصویرسازی ملت است. برندسازی ملت پدیده‌ای است که در آن حکومت‌ها در اقداماتی خودآگاهانه با هدف تولید یک تصویر قطعی مطلوب از دولت / ملت، خود را درگیر می‌سازند (Bolin & Stahlberg, 2010: 82). این رفتار حکومت‌ها می‌تواند به‌عنوان یک اقدام تجاری که پس از پایان جنگ سرد ظهور کرده به‌مثابه بازتعریف و بازموقعیت جغرافیایی دولت‌ها در روایت‌های کلان جهانی شدن در نظر گرفته شود (Jansen, 2008). از سویی، ادبیات فراوانی در حوزه برندسازی توسط اندیشمندان به رشته تحریر درآمده است (Aaker, 1996; Kapferer, 1997; Aaker, 1997; De Chernatony, 1999; Urde, 1999; Davis, 2002; Keller, 2009; Konecnik Ruzzier & De Chernatony, 2013) که البته بار مدیریتی دارد و بالطبع، چشم‌انداز، مأموریت، اهداف، ارزش‌ها، اجرا و تحلیل موقعیتی در آن‌ها برجسته است. ظهور مدل برندسازی ژئوپلیتیک به ذی‌نفعان آن وابسته است؛ چرا که آن‌ها شروع‌کننده‌اند و مدیریت فرایند برند را بر عهده دارند (حاتمی و عبدالله‌پور، ۱۳۹۷).

مدل برندسازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک و پیش‌شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند است و هدف بازخوانش ژئوپلیتیکی و توأم با تعارض و خشونت را دنبال می‌کند. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه‌دولت‌ها و یا ساختارهای دوفاکتو ترسیم کند. نباید فراموش کرد که مدل برندسازی ژئوپلیتیک بر بافت ژئوپلیتیکی دولت-ملت‌های ضعیف، علیه ساختار و له کارگزارهای جدید و بر روی گسل‌های تمدنی و سرزمینی رخ می‌دهد (عبداله‌پور و قادری، ۱۳۹۴). جدول ذیل نشانگر کیفیت برندسازی ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی با استفاده از عوامل فرهنگی، تاریخی، هویتی، اقتصادی و سایر عوامل تأثیرگذار بر چگونگی این برندسازی است.

جدول ۵. کیفیت برندسازی ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی

کارکرد	اجرا	هویت برند
- بسیج حامیان و متحدان (کشورها و جوامع غربی) - حذف رقبا	- ساختار حکمرانی (تنها دموکراسی در خاورمیانه) - قدرت اقتصادی - ابزارهای ارتباطی (منابع مادی و رسانه) - دیاسپورای یهود	- چشم‌انداز (تنها دولت یهود در خاورمیانه) - ارزش‌ها (تاریخ یهود، هویت یهود)، - نمادها (بیت‌المقدس، ستاره داوود) - تصویرسازی از دشمن (شیعیان، اسلام، ایران، محور مقاومت) (حملات اسرائیل به مواضع حزب‌الله و ترور رهبران این جنبش، بر خصم نخست برای اسرائیل دلالت می‌کند.) - ادعای قلمرویی (از نیل تا فرات) - جامعه روشنفکری و فلاسفه یهود

۶. سوژه‌های ژئوپلیتیک جدید در راستای منافع رژیم اسرائیل

سوژگی ژئوپلیتیک واژه‌ای بر ساخته از گفتمان‌های جامعه‌شناسی، جغرافیا و روابط بین‌الملل است و باور دارد زمانی که گفتمان‌های مسلط ژئوپلیتیک دچار ضعف می‌شود، زمینه ظهور سوژه ژئوپلیتیک و مفصل‌بندی‌های جدید فراهم می‌آید و در واگرایی گفتمان‌های ژئوپلیتیک که توأم با آشوب ژئوپلیتیکی است، سوژه ژئوپلیتیک با احساس بحران سرزمینی تلاش می‌کند تا از طریق مفصل‌بندی جدید و تعیین هویت با گفتمانی متفاوت، هویت، سرزمین و فضا-مکان خود را بازسازی نماید (عبداله‌پور، ۱۳۹۶). در سال‌های اخیر و متعاقب بحران‌های قلمرویی در خاورمیانه، سوژه‌های هویتی-ژئوپلیتیکی در منطقه به وجود آمده‌اند که ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه را

دستخوش تغییراتی کرده‌اند. این سوژه‌های ژئوپلیتیک بر جغرافیای شکننده مناطق قومی سوار می‌شوند و جغرافیا و سرزمین را با توجه به ضعف دولت-ملت‌های کلاسیک در اختیار می‌گیرند. کولوسف، ضمن اینکه از شبه‌دولت‌ها به‌عنوان منادیان ژئوپلیتیک پست‌مدرن به جهت گفتمانی بودن آن یاد می‌کند، بر این باور است که حفره‌های تاریک شبه‌دولت‌ها غالباً در محل تلاقی بین امپراتوری‌های سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی‌ای رخ می‌دهد که جمعیتی مختلط با پیچیدگی‌های خاص قومی دارند (Kolosov & O'Loughlin, 1999: 6).

از سویی، در منطقه خاورمیانه، با توجه به مرزهای مصنوعی حاصل از توافقنامه‌های اوایل قرن بیستم و سیالیت قومی در مرزهای کشورها، تعارض موصوف باعث جدلی بین میدان‌های ژئوپلیتیک شده که این میادین توأمان ساختارها و کارگزارهای ژئوپلیتیک را در خود جای داده‌اند. این جدل باعث آنتروپی ژئوپلیتیک در منطقه شده است. به‌دنبال تحولات جهان عرب و آناارشی ژئوپلیتیک حاصل از ظهور گروه داعش، قومیت‌هایی مانند حوثی‌ها در یمن، کردهای سوریه و کانتون‌های موجود در آن و از همه مهم‌تر کردستان عراق با پیشینه یک حکومت دوفاکتو، به‌عنوان کارگزاران ژئوپلیتیک، کدها و بینش ژئوپلیتیکی متفاوت با ساختارهای ژئوپلیتیکی کلاسیک و مستقر را تعریف کرده‌اند که ساختارهای مذکور را تحت تأثیر قرار داده است. به‌طور کلی مدل ساختار-کارگزار در ژئوپلیتیک در پی چیرگی بر شیء‌وارگی کارگزاران است (حاتمی، ۱۳۹۶).

این مدل در تحلیل خود، ضمن اصالت دادن به ساختار، کارگزاران ژئوپلیتیک را مصدر تغییرات گسترده جهت قبض و بسط ساختارهای ژئوپلیتیکی می‌داند؛ بنابراین و در این نگاه، کارگزارهای ژئوپلیتیک با به چالش کشیده شدن ساختارهای ژئوپلیتیک، دست به کنشگری می‌زنند و در لحظه کسوف ساختارها نه ساختارهای جدید بلکه کارگزارهای جدید ژئوپلیتیک به وجود می‌آیند (عبداله‌پور و دیانت، ۱۳۹۵). اما آنچه برجسته می‌نماید، قرار گرفتن این سوژه‌ها در مدار کارگزاری ساختارهای قدرت و مسلط منطقه همچون رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی در سنوات گذشته به‌صورت دائم‌التزایدی از سوژه‌های ژئوپلیتیک از هر دو سنخ مذهبی و سکولار آن در راستای تجزیه ساختارهای مرزی و سیاسی کشورها استفاده کرده است.

۶-۱. سوزدهای سلفی

کنشگران ژئوپلیتیکی جدید در خاورمیانه از لحاظ هستی‌شناسی، عرفی و قدسی و یا سکولار-مذهبی‌اند و از لحاظ معرفت‌شناسی نیز ماهیتی ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک دارند. با رصد این کنشگران، رژیم صهیونیستی گروه‌های مذکور و در حال حاضر جریان‌های مذهبی را در مدار کارگزاری خود قرار داده است. برای گروه تروریستی داعش، ایدئولوژی سلفی ارتباطی عمیق با جغرافیای سرزمینی و ژئوپلیتیک دارد؛ چرا که داعش با نگاهی ساختارشکن از مدل کلاسیک گروه‌های سلفی، کلیت قلمرو سنی خاورمیانه را به‌عنوان منطقه هدف خود قرار داده است. از سویی تحولات منطقه خاورمیانه بدون درک ملاحظات ناشی از تغییرات ژئوپلیتیکی آن میسر نخواهد بود و این تغییرات ریشه در ظهور داعش دارد. گروه تروریستی داعش تفاوت اندکی از حیث ایدئولوژیکی با سایر گروه‌های رادیکال دارد؛ اما از حیث جغرافیایی با سایرین تفاوت عمده‌ای دارد. به این نحو، در حالی که گروه‌هایی نظیر القاعده آرزومند سلطه سرزمینی مؤثر هستند، داعش توانسته خود را به‌عنوان بازیگری ژئوپلیتیک تعریف کند که تقریباً نواحی مشخصی از دو کشور عراق و سوریه را در کنترل خود دارد. این مسئله در کنار برخورداری از قدرت جذب نیروهای متفرق چریکی و بهره‌مندی از تشکیلات و ساختار تروریستی در منطقه است (عبداله‌پور و دیانت، ۱۳۹۵). اگرچه بقای این گروه و توسعه متصرفات ارضی آن به دلایلی از جمله حملات هوایی ائتلاف، مشکلات پیش‌رو در کردستان عراق و توان ضدحمله و مقابله مؤثر ارتش عراق کاملاً نامشخص است.

به‌رغم موجودیت جدید داعش، طبیعت سرزمینی آن سبب شده است تا نتوان آن را نادیده گرفت و در نتیجه، دولت‌ها مجبور به بازبایی سیاست‌ها و روابطشان با یکدیگر شده‌اند. در این وضعیت، عراق و سوریه تنها طرف‌هایی نیستند که مجبور به برخورد و مقابله با داعش هستند؛ سایر قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، ایران و عربستان نیز نیازمند ارزیابی مواضعشان در این زمینه‌اند؛ چرا که داعش به‌عنوان یک سازمان تروریستی می‌تواند موجب اغتشاش و آشوب منطقه‌ای را فراهم سازد و بقای خود را در این فضا بهتر تأمین کند. در نتیجه بقای ژئوپلیتیکی داعش دربردارنده چالش‌های ژئوپلیتیکی برای سایرین خواهد بود.

داعش در کشورهای عراق و سوریه خود را نماینده جمعیت تسنن معرفی کرده است، در حالی که در واقعیت، این گروه خود را به‌ویژه بر سنی‌های عراق تحمیل کرده و مخالفت‌ها در برابر آن

به‌ویژه در میان سنی‌ها وجود دارد. همچنین این گروه ضمن اعمال فشار علیه کردستان و نواحی شیعه‌نشین، درصدد ایجاد پیوندهای ژئوپلیتیکی با نیروهایش در سوریه است تا از این طریق پویای داخلی عراق را متأثر نماید. پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی حضور داعش در منطقه، ضمن ایجاد تهدیداتی علیه دو دولت بغداد و دمشق و نیز علیه سایر رقبای تروریستی، با تضعیف آن‌ها توانسته است به شفافیت مواضع میان مخالفان و دولت‌ها کمک کند. باید اذعان کرد که داعش در بازه زمانی ۲۰۱۳-۲۰۱۷ ژئوپلیتیک منطقه را تغییر داد و در این راستا توانست خود را به‌صورت یک واحد جغرافیایی در منطقه شمال عراق و سوریه در کنار مرزهای ترکیه تثبیت کند. ظهور این پدیده چالش‌های ژئوپلیتیکی، دموگرافیک و اکولوژیک فراوانی را در منطقه مزوپوتامیا به وجود آورد (همان)؛ بنابراین، داعش چه از نوع متقدم آن و چه در مدل‌های جدید و با عناوین جدیدتر، به‌عنوان یک ابزار تغییر ژئوپلیتیکی نه‌تنها در راستای اهداف میدان‌های منطقه‌ای، بلکه یک عامل مهم بی‌نظمی در خاورمیانه برای میدان‌های فرامنطقه‌ای نیز محسوب می‌گردد.

۶-۲. سوژه‌های سکولار

رژیم صهیونیستی در راستای اهداف سیاسی خود نه‌تنها متکی بر فرقه‌های تکفیری و گسست سرزمینی در کشورهای خاورمیانه‌ای است، بلکه سوژه‌ها و جریان‌های سکولار را نیز در این راستا به‌استخدام خود درآورده است. در حال حاضر می‌توان این سوژه‌ها را با مورد مشخص در لبنان، سوریه و عراق مشاهده نمود. با این تفاسیر و در دیاگرام روابط رژیم صهیونیستی با سوژه‌های خاورمیانه‌ای، این روابط نامشخص عنوان و بر بیش رهبران رژیم صهیونیستی در حمایت از این سوژه‌ها تأکید شده است (Bengio, 2017). باید عنوان کرد که غیرسازی (otherness) سوژه‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه، ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای است و سوژه‌هایی مانند داعش در عراق و سوریه و جنبش‌هایی که «پان»ها را ترویج می‌کنند، جملگی در راستای منافع و امنیت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی‌اند؛ بنابراین، در حالی که برندسازی ژئوپلیتیک رکن رکن کدسازی سوژه‌های ژئوپلیتیک است، به‌دلیل عدم استقرار جغرافیایی، سوژه‌ها با تکیه بر هویت برند، اجرا و کارکرد و مؤلفه‌های آنان مانند ارزش‌ها، نماد، ساختار حکمرانی، هویت، اسطوره‌ها و ادعای قلمرویی درصدد برندسازی ژئوپلیتیکی و سرزمینی خود و فروپاشی هویتی و سرزمینی ساختارهای مستقری مانند عراق و سوریه به‌عنوان «دیگری» رژیم صهیونیستی‌اند (عبداله‌پور و قادری، ۱۳۹۴).

برندسازی ژئوپلیتیک اولویت اساسی کارگزاران است. همان‌طور که عنوان شد، حفره‌های تاریک شبه‌دولت‌ها غالباً در محل تلاقی بین امپراتوری‌های سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی‌ای که جمعیتی مختلط با پیچیدگی‌های خاص قومی دارند رخ می‌دهد (Kolosov & O'Loughlin, 1999: 56). در بافت ژئوپلیتیکی سوژه‌ها و کارگزاران ژئوپلیتیک، دولت‌های همسایه به‌عنوان دیگری تهدیدی برای هویت و امنیت سوژه‌ها به شمار می‌آیند و مشروعیت آن‌ها در فضای گفتمان کارگزاران، تنها به‌دلیل دولت-ملت بودن آن‌هاست. سطوح تحلیل برای کارگزاران، کد عملیاتی در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بنابراین کارگزاران فاقد کد عملیاتی جهانی‌اند. استنتاج بحث فوق، اثبات دیگری برای هر دو مؤلفه است. با توجه به شکننده بودن بعد سرزمینی و هویتی ساختارگریز، تبیین و تفسیر این کدها برای شبه‌دولت‌ها و کارگزاران ژئوپلیتیک مشکل است؛ ولی با توجه به ضعف ساختارها و شناور بودن کدهای ژئوپلیتیکی، درصدد تعریف و عملیاتی نمودن کدهای ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف برمی‌آیند. بنابراین، دولت-ملت‌های ضعیف منافع خود را از طریق گفتمان‌های هویتی و برندسازی ژئوپلیتیک در فضاها تجزیه‌شده در تعامل و تقابل با سایر کدها جلو می‌برند؛ چرا که کدهای ژئوپلیتیک همانند گفتمان‌ها پایدار نبوده و دائماً از دال به مدلول در حال حرکت‌اند.



شکل ۱. دیاگرام روابط با سوژه‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی خاورمیانه با توجه به کدهای ژئوپلیتیکی رژیم اسرائیل

۷. نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس همواره با یک معمای ژئوپلیتیک، یعنی همسایگی با ملت‌های عرب شمال، شرق و جنوب و انزوای منطقه‌ای توسط ساختارهای منطقه‌ای مواجه بوده است. از یک سو این رژیم با قلمروخواهی سرزمینی، علاوه بر سرزمین مادری فلسطینیان (در صورت اجرای معامله قرن، نه تنها کنترل کامل سی درصد کرانه باختری بلکه بلندی جولان به‌عنوان اراضی رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته می‌شود)، جغرافیای کشورهای مصر، سوریه و اردن را اشغال نموده است و از سوی دیگر همواره و با استفاده از نظریه‌های کلاسیک فضای پیرامونی، در صدد شکست و تخریب کشورهای مستقر منطقه‌ای و تجزیه قومی و سرزمینی آن واحدها بوده است.

همان‌طور که عنوان شد، کدهای ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی علاوه بر بعد داخلی و تلاش برای ملی‌گرایی یهود، بعد منطقه‌ای خود را تضعیف و تحلیل کشورهای قرار داده که می‌توانند تهدید بالقوه برای این موجودیت باشند. لذا کدهای ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی همواره بر قلمروخواهی، تحدید حوزه ژئوپلیتیک شیعیان، تقویت دوگانه شیعه- سنی در مدل‌های جدید و حمایت از تروریسم تکفیری قرار داشته است. در سطح منطقه‌ای باید عنوان کرد که هرگونه قدرت یافتن و تقویت ساختارهای منسجم جغرافیایی در همسایگی رژیم صهیونیستی و منطقه خاورمیانه تهدیدی ژئوپلیتیک- امنیتی برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید و این رژیم همواره در صدد تعمیق و ایجاد شکاف قومی، امنیتی و تأسیس جنبش‌های جدایی طلب و ایجاد شبه‌دولت و واحدهای جغرافیایی دوفاکتو در آنهاست. در این راستا می‌توان به رفتار رژیم صهیونیستی در خصوص داعش و رفراندوم کردها و جدایی استان ادلب توسط گروه تروریستی احرار الشام در سوریه اشاره نمود. علاوه بر این موضوع، از سناریوهای تنش آفرین که بافت ژئوپلیتیک نیز دارند، مناقشات مرزی در ورای مرزهای این کشور جهت گسست ژئوپلیتیک در مرزها و متعاقباً شورش‌های قومی در کشورها باید یاد کرد. تنش ناگورنو- قره‌باغ و خلع‌ید همیشگی از ارامنه قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ گویای مطامع و کدهای جدید این رژیم است.

به‌طور کلی این تحقیق مبانی و مفروضات کد ژئوپلیتیک را با سازه‌های هویتی، تاریخی و ارتباط آن با سوژه‌های ژئوپلیتیک به‌عنوان ابزاری کارآمد برای سیاست منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بررسی کرد که می‌تواند به‌عنوان یک نقطه عطف توسط محققان پیگیری و تکمیل گردد. پایش

دقیق مکان‌های خارج از قلمرو سرزمینی کشورها که مبنای هرگونه تصمیم‌سازی و ترجیحات عملیاتی است به‌عنوان کد ژئوپلیتیکی در دستور کار امنیتی کشورها قرار دارد. در این راستا هر کشور متأثر از مفروضه‌های راهبردی، امنیت ملی خود را شکل می‌دهد که این امنیت در ارتباطی عمیق با عوامل فرهنگی، ملی، سرزمینی و متأثر از مقیاس‌ها و برندسازی هویتی و جغرافیایی است. رژیم اسرائیل به‌عنوان یک سازهٔ تعارض‌آمیز و مولود سیاست‌های دول غربی و بی‌تدبیری دول مستقر در منطقهٔ شامات، از ابتدای شکل‌گیری تا کنون، به‌علت سازه‌های هویتی و جغرافیایی نامشروع موجد مناقشات فراوان در خاورمیانهٔ عربی و شامات بوده است. در بستر این تعارض، همواره قلمروخواهی و چنگ‌اندازی به جغرافیایی سرزمینی کشورهای مجاور نیز نصب‌العین سیاست منطقه‌ای آن‌ها بوده است. با این نگاه و متأثر از استراتژی اتحاد پیرامونی که از بدو تأسیس رژیم اشغالگر قدس، همیشه یک دادهٔ اساسی در سیاست خارجی آن‌ها بوده، هم‌اینک این رژیم با خوانشی مجدد و بازتعریف در استراتژی مذکور و با بهره‌گیری از سوژه‌های ژئوپلیتیک منطقه و عقد قراردادهای نظامی و امنیتی با بعضی از کشورهای منطقه، درصدد بقا و امنیت سرزمینی خود با استفاده از لایه‌های منطقه‌ای و البته منبعث از کدهای ژئوپلیتیک خود است. شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای نیز از سیاست‌های راهبردی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی در منطقه به شمار می‌آید. به‌صورت تاریخی، تقویت ساختارهای منسجم جغرافیایی در منطقهٔ خاورمیانه تهدیدی امنیتی برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود و این کشور همواره درصدد تعمیق و ایجاد شکاف قومی، امنیتی و تأسیس جنبش‌های جدایی‌طلب و واحدهای جغرافیایی دوفاکتو در آن‌هاست.

در این راستا، همان‌طور که اشاره شد، می‌توان به رفتار رژیم صهیونیستی درخصوص داعش، فراندوم کردستان عراق و مناقشهٔ منطقهٔ قره‌باغ-آرتساخ و حمایت حداکثری از جمهوری آذربایجان اشاره کرد. شاید ملموس‌ترین اقدام رژیم صهیونیستی در راستای تجزیهٔ ساختارهای ژئوپلیتیک مستقر در منطقه، حمایت حداکثری از استقلال کردستان و تقسیم عراق باشد. دسترسی به عمق مزوپوتامیا و نزدیکی به حوزه‌های تمدنی عرب، ترک و فارس آرزوی رژیم صهیونیستی جهت کنشگری و ناامن نمودن فضای این منطقه است که به‌طور حتم خیزش سوژه‌های سلفی و سکولار، رژیم صهیونیستی را به این مهم نزدیک خواهد ساخت. با عنایت به موارد فوق، می‌توان

توافق اسرائیل با کشورهای عرب منطقه را نیز در راستای ژئوپلیتیک اقتصادی تحلیل نمود که متأثر از کدهای ژئوپلیتیک و البته نوین این رژیم است. نتانیاهو دکترین خود را بر پایه صلح و صلح از طریق قدرت نامیده و این موضوع را می‌توان در پیمان ابراهیم مشاهده نمود. از سویی اسرائیل در راستای تعریف کدهای ژئوپلیتیک خود و به‌واسطه ناامنی و ژئوپلیتیک شکننده این واحد جغرافیایی که حلقه ضعیف اقتصادی بین هند- آسیای غربی و اروپاست، نزدیکی به کشورهای عرب منطقه را در دستور کار خود قرار داده که تبلور آن توافق ابراهیم است (Jangid, 2023).

در پایان باید عنوان نمود که فقر ادبیات تحقیق در خصوص مطامع و امیال ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی، گسست‌های جغرافیایی در مرزهای قومی و سرزمینی کشورهای خاورمیانه، ارتباط عمیق با گروه‌های تکفیری مانند داعش به‌صورت تجربی کاملاً مشخص ولی به دلایلی مانند سلطه رسانه‌ای و علمی محافل صهیونیستی، شواهد مذکور مکتوب نگردیده‌اند؛ لذا تحقیق و کنکاش در این مورد، به‌خصوص توسط محققان کشور، می‌تواند موجب آگاهی‌بخشی جوامع خاورمیانه‌ای در خصوص امیال، مطامع و بسط ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی شود.

منابع

- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «گفتمان ژئوپلیتیکی ترکیه در فضاهای تجزیه‌شده خاورمیانه»؛ پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، (۲)۷، ۸۱-۱۰۶. https://priw.ir/browse.php?a_id=649&sid=1&slc_lang=fa
- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۹). «مناطق کردنشین شمال سوریه، شیف‌ت پارادیماتیک گفتمانی (گفتمان هویتی به گفتمان ژئوپلیتیکی)»؛ جستارهای سیاسی معاصر، (۲)۱۱، ۶۵-۹۱. <https://doi.org/10.30465/cps.2020.27435.2348>
- حاتمی، محمدرضا؛ عبدالله‌پور، محمدرضا. (۱۳۹۷). «برندسازی ژئوپلیتیکی واحدهای جغرافیایی دوافکتو»؛ پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام زمستان، ۲۹، ۲۲۱-۲۳۴. <https://priw.ir/article-1-1003-fa.html>
- خطیب‌زاده، سعید. (۱۳۸۱). «ترکیه و اسرائیل: تلاش برای یافتن چارچوب جدید امنیتی- سیاسی»؛ سیاست خارجی، (۲)۱۶، ۴۰۷-۴۲۰. <http://noo.rs/wRfYA>
- عبدالله‌پور، محمدرضا. (۱۳۹۰). «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق». فصل‌نامه مطالعات خاورمیانه، (۲)۱۸، ۸۵-۱۰۶. https://cmess.sinaweb.net/article_150429.html

عبداله‌پور، محمدرضا؛ دیانت، محسن. (۱۳۹۵). دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه. تهران: انتشارات کلک سیمین.

عبداله‌پور، محمدرضا؛ قادری، عبدالرحیم. (۱۳۹۶). «سوژگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین‌النهرین شمالی»؛ فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۵(۴)، ۱۳۷-۱۵۶. <https://priw.ir/article-1-367-fa.html>

References

- Abdollahpoor, M. R. & Diyanat, M. (2016). *The dialectic of structure, agent in the geopolitical Conflicts of the Middle East*. Tehran: Kelk-e simin Pub. [In Persian].
- Abdollahpoor, M. R. (2011). "Geopolitical Conflict between Iraqi Kurdistan and Regional Fields; Attracting Israel in Iraqi Kurdistan's Magnetic Field". *Middle East Studies*, 18(2), 85-106. [In Persian]. https://cmess.sinaweb.net/article_150429.html?lang=en
- Abdollahpoor, M. R. & Ghaderi, A. R. (2016). "Kurdistan Workers Party geopolitical subjectivity in northern Mesopotamia". *Political Research in the Islamic World*, 5(4), 137-156. [In Persian]. <http://priw.ir/article-1-367-en.html>
- Alpher, Y. (2013). "Israel: Alternative Regional Options in a Changing Middle East". *NOREF Reports*, June, <http://noref.no/Regions/Middle-East-and-North-Africa/Israel-Palestine/Publications/Israel-alternative-regionaloptions-in-a-changing-Middle-East>
- Anderson, B. (1983). *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. London & New York: Verso Press.
- Bengio, O. (2017). "Has Israel support for Kurdistan's independent helped or harmed the Kurds?" *The bigin-sadat center for strategic center*, 63, November 9.
- Bolin, G. & Ståhlberg, P. (2010). "Between community and commodity. Nationalism and nation branding". In: A. Roosvall & I. S. Moring, eds., *Communicating the nation*. National topographies of global media landscapes. Göteborg: Nordicom, 79-101.
- Chossudovsky, M. (2013). "Greater Israel: the Zionist plan for the Middle East". *Global Research*. <https://www.globalresearch.ca/greater-israel-the-zionist-plan-for-the-middle-east/5324815>
- Dijkink, G. (1996). "National Identity and Geopolitical Visions: Maps of Pride and Pain". London: Routledge.
- Dijkink, G. (1998). "Geopolitical Codes and Popular Representations". *GeoJournal*, 46, 293-299.
- Flint, C. (2011). *Introduction to Geopolitics*. New York: Routledge.
- Gen Gadi. (2018). *the IDF strategy: Israel defense forces*. August 2018. <https://www.inss.org.il/he/wp-content/uploads/sites/2/2017/04/IDF-Strategy.pdf>
- Hatami, M. R. (2020). "Kurdish regions of northern Syria, paradigmatic discourse shift (identity discourse to geopolitical discourse)". *Contemporary Political Studies*, 11(2), 65-91. [In Persian]. <https://doi.org/10.30465/cps.2020.27435.2348>
- Hatami, M. R. (2017). "Turkey's geopolitics discourse in fragmented Middle East spaces". *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 7(2), 81-106. [In Persian]. <http://priw.ir/article-1-649-en.html>
- Humud, C. E.; Katzman, K. & Zanotti, J. (2019). "Iran and Israel: Tension over Syria". *Congressional research services*, Report IF10858. <https://crsreports.congress.gov/product/details?prodcode=IF10858>
- Jangid, K. (2023). "An economic corridor, the Israel link and the geopolitics: Israel is the weak link in the India-Middle East-Europe Economic Corridor plan", September 25,

- <https://www.thehindu.com/opinion/op-ed/an-economic-corridor-the-israel-link-and-the-geopolitics/article67341829.ece>
- Jansen, S. C. (2008). "Designer nations: neo-liberal nation branding – brand Estonia". *Social Identities*, 14(1), 121-142. <http://dx.doi.org/10.1080/13504630701848721>
- Khatibzadeh, S. (2002). "Turkey and Israel: An attempt to find a new security-political framework". *Foreign Policy*, 16(2), 407-420. [In Persian]. <http://noo.rs/wRfYA>
- Kolossov, V. & O'Loughlin, J. (1999). "Pseudo-states as harbingers of a new geopolitics: The example of the Trans-Dniester Moldovan Republic (TMR)". In *Boundaries, Territory and Postmodernity*. David Newman, ed. Frank Cass: London. https://ibs.colorado.edu/johnno/pub/pseudo-states_1999.pdf
- Newman, D. (1998). *Citizenship, Identity and Location: The Changing Discourse of Israeli Geopolitics*. London: Routledge.
- Newman, D. (2002). "The geopolitics of peacemaking in Israel–Palestine". *Political Geography*, 21(5), 629-646. [http://dx.doi.org/10.1016/S0962-6298\(02\)00010-0](http://dx.doi.org/10.1016/S0962-6298(02)00010-0)
- Pew Research Center (2016). "Israel's Religiously Divided Society", March 8, <http://www.pewforum.org/files/2016/03/Israel-Survey-Full-Report-03-01EMBARGO.pdf>
- Rahmani, M. R. & Abdollahpoor, M. R. (2018). "Geopolitical branding of two-factor geographical units". *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 4(8), 221-234. [In Persian]. <http://priw.ir/article-1-1003-en.html>
- Samsonowitz, M. (1999). "Sephardim and Ashkenazim: closing the gaps?" *Jewish Action: The Magazine of the Orthodox Union*. <https://jewishaction.com/jewish-world/sephardim-ashkenazim-closing-gaps/>
- Venier, P. (2004). "The diplomatic context: Britain and International Relations around 1904". In Brian W. Blouet (editor), *The Geographical Pivot of History: Halford Mackinder and the Defence of the West*. London: Frank Cass. <https://geostrategie.ca/the-diplomatic-context-britain-and-international-relations-around-1904/>
- Yinon, O. (February 1982). Beck, Y. (ed.). "A Strategy for Israel in the 1980s". *Kivunim* (in Hebrew). 14, 49–59.